

دنایای امروز دنیای تصاویر است و گفته می‌شود بیشترین نافرمانی‌های مدنی ابتداء در عالم تصاویر خلق می‌شود؛ شاید چراغ قرمز در خیابان را کسی ظاهراً در فضای دیجیتال گیم‌ها بسیاری از خط قرمزهای خانوادگی و فرهنگی رد می‌شود!

## معاونت زنان و جای خالی عملکرد

موضوع‌هایی مانند بیمه زنان خانه‌دار و توانمندسازی زنان جایی در اولویت‌های کاری معاونت زنان ندارد



زینب محمدی پژوهشگر

خانم دکتر خزعلی در صحبت‌های اخیر خود، حجم فعالیت‌های معاونت زنان دولت را چهار برابر دولت پیشین ارزیابی کرده است. این بیان بیش از آنکه بیانی مدیریتی و گزارشی باشد رنگ و بوی فعل و رتوریک سیاسی به خود گرفته است. باید در نظر داشت مرور معمولی اخبار منتشر شده از سوی خود معاونت در ماه‌های گذشته انرژی این گفتار سیاسی را در میدان توجهات کاهش می‌دهد و آن را به ضد خود بدل می‌کند.

در ماه‌های اخیر معاونت بیشترین حضور خبری خود را در صفحه اینستاگرامی اش رقم زده است. پوشش اکثر قریب به اتفاق (اگر با قطعیت نگوئیم تمام) اقدام‌ها، برنامه‌ها، نشست‌ها و سخنرانی‌های معاون زنان در این صفحه تصویر خوبی از فعالیت‌های خانم دکتر خزعلی به همراه تیمش به ما ارائه می‌دهد. حجم قابل توجهی از این اخبار و گزارش‌ها به دیدارهای استانی معاون زنان ریاست جمهوری و نشست‌های

عمومی ایشان اختصاص دارد. این در حالی است که گزارش‌های کاری و برنامه‌ریزی پیرامون موضوعاتی مثل توانمندسازی زنان که یکی از شعارهای ثابت این معاونت است، برنامه‌ریزی برای اشتغال و موضوعاتی همچون تعاونی‌های زنان، بیمه زنان خانه‌دار، اقدام حول موضوع زنان سرپرست خانوار، توجه به حوزه‌هایی چون بهزیستی در رابطه با زنان، پیگیری موضوع‌هایی چون ناباروری و یا توجه به چالش‌های حقوقی حوزه خانواده در جایگاه معاونت زنان بنابر اولویت‌های کاری و دستوری در پوشش خبری این معاونت وزن

## ذهن خشونت‌زده در میدان اغتشاش

چرا فحاشی زنان، خشونت علیه خودشان است؟

سحر دانشور پژوهشگر

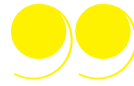
هم‌آوایی زنان با فحش‌های جنسی، آنها را با زبان تخفیف‌دهنده هرزه‌گو همدست کرده و در همراهی بی‌سابقه موقعیت‌شان را به فرودستی که نه تنها جایگاه خود را در فرودستی که نه تنها جایگاه خود را در

فحاشی جنسی در لایه‌های درونی و بیرونی خود با اتخاذ نگاه سلسله‌مراتبی به زن، همواره او را در موقعیت فرودست قرار داده و با تحقیر و تحقیر، او را بی‌اعتبار و کم‌ارزش کرده و می‌کند.

امروزه نظارت شکل حمله به آزادی ندارد. برعکس آزادی و کنترل هر دو یکی هستند. [۱] ظاهر ماجرا این است که بی‌توجهی به قواعد و آداب اجتماعی در به کار بردن واژه‌ها و زبان به «فحاشی» گشودن در میدان اغتشاش اخیر در ایران، فعلی آزادانه و رهایی بخش است؛ چرا که فحش‌های جمعی در اعتراض به ساخت اجتماعی، سیاست و فرهنگ جامعه طرح می‌شوند. از آنجا که این فعل در کنار طرح‌های

آزادی خواهانه برای جامعه زنان صورت گرفته، می‌توان پرسید فحاشی جمعی در چنین موقعیتی آزادی خواهانه است یا در لایه‌های خود خشونت نسبت به

زن و کنترل او را به رخ می‌کشد؟ خشونت در طول تاریخ اشکال متفاوتی به خود گرفته و همواره در پی کنترل پیرامون خود بوده است. امروزه شاهد خشونت‌های نرم و به تعبیر بیونگ چول‌هان «نامرئی» نیز هستیم. فحاشی یکی از اشکال نرم خشونت کلامی در جهان معاصر است. کنترل پیرامون و تسلط بر آن به میناجی خشونت موضوع ساده‌ای نیست اما پیچیدگی میل به تسلط بر پیرامون، در فحاشی‌های جنسی اخیر آنجا رخ می‌نماید که زنان حاضر در صحنه همراه با مردان زبان به کلماتی گشودند که عرف جامعه آنها را فحاشی قبیح مردانه می‌داند. فحاشی جنسی در لایه‌های درونی و بیرونی خود با اتخاذ نگاه سلسله‌مراتبی به زن، همواره او را در موقعیت فرودست قرار داده و با تحقیر و تحقیر، او را بی‌اعتبار و کم‌ارزش کرده و می‌کند. هم‌آوایی زنان با فحش‌هایی از این دست، آنها را با زبان تخفیف‌دهنده هرزه‌گو همدست کرده و در همراهی بی‌سابقه موقعیت‌شان را به



کمالیزه کردن مطالبه‌ها در سطوح مختلف است. در بسیاری از کشورها، باشگاه‌های دانشجویی بسیار متنوعی وجود دارد؛ ورزشی، سرگرمی، باستان‌شناسی، طبیعت‌گردی، کارهای خیریه و... بدین ترتیب دانشجویان و از جمله دختران دانشجویان در حیطه‌ای که علاقه‌مندند، فعالیت می‌کنند. نباید دانشجویان از ما جدا باشند. باید مشخص باشد مثلاً تک‌تک دانشجویان دختر معترض از کدام بدنه نهادی با چه علایقی است و نمایندگان آن سازمان‌های دانشجویی با قابلیت یک برخورد بردارانه و با مهارت ارتباطی مناسب مورد دیا لوگ باشند.

آیا آرمان‌های انقلاب برای زنان با مدل‌های غربی سازگار است؟ خیر. قطعاً متفاوت بوده است. حتی مدل‌های مشارکتی که برخی از آنها ذکر شد بیشتر از حیث مکانیسمی و نه محتوایی مدنظر هستند. نکته مهمی در این میان وجود دارد؛ ما یک نگاه ایده‌آلی نسبت به غرب داریم اما یک اشکال عمده و گفتمانی عموماً مغفول است: نسبی‌گرایی در غرب انتها ندارد. ظاهر قضیه تأمین نظر مردم و حتی دادن صدا به اقلیت‌های هویتی از جمله جنسیتی است. ظاهر این نگاه جذاب است ولی بسیار خطرناک است؛ زیرا جامعه انسانی را از فهم حقیقت و تعالی تهی کرده است. یک نمونه عرض کنم. طبق گزارش اتحادیه اروپا (۲۰۱۹)، فرانسه بیشترین تعداد نهاد‌های مدنی به اصطلاح حامی انتخاب (pro choice) را دارد. این ظاهر شعار آنها است که ایده هر کسی ایده قابل احترام باشد؛ چه کسی که می‌خواهد حجاب داشته باشد که الان ظهور بیرونی هویت درونی در نظام لائیک ممنوع است و چه کسی که می‌خواهد برهنه باشد؛ اینکه شما دچار یک شرایط به قول جامعه‌شناس امریکایی سی

رایت میلز «بی‌تفاوتی» شده باشید خود یک رنگ خطر جدی به سوی اضمحلال جامعه بشری است. یعنی اصلاً به مردم به اسم آزادی، فرصت داده نشود که به اخلاق اجتماعی حتی فکر کنند. در چنین شرایطی در دنیای معاصر، ما جامعه‌ای بکتر و بی‌سلامت‌تر داریم که هنوز به بی‌عافی و واکنش نشان می‌دهد. اتفاقاً زن ایرانی اگر دانش کافی از غرب داشته باشد، درک می‌کند که ما نباید فکر کنیم عقب هستیم بلکه باید داشته‌های گفتمانی خود را ارتقا و ساختار بدهد. تلاش کنیم مدل خودمان را تعریف کنیم.

آیا انقلاب اسلامی ایده نو و مشخصی در حوزه زنان دارد که بتواند مدل خود را مبتنی بر آن تعریف کند؟ بین ایده و ایده‌آل باید تفاوت قائل شد. اینکه زن مستقلی داشته باشیم که تحت تأثیر سرمایه‌داری از نظر فرهنگی به فساد کشیده نشده باشد، برای مثال، یک ایده‌آل است که انقلاب اسلامی ترسیم کرد اما اینکه چگونه این زن از حیث فلسفی و عملیاتی در ساختار خانواده و اجتماع توانمند بشود که بتواند مرز سرمایه‌داری را تشخیص بدهد و با عاملیت خود آسیب‌ها را کنترل کند، ایده‌پردازی می‌طلبید. باید ایده‌ها را کنار هم بگذاریم تا ایده‌آل اتفاق بیفتد. انقلاب اسلامی در جهان مدرنی که دارد به سمت اضمحلال می‌رود حرف‌های مشخصی دارد؛ این در نظام ما یک قوت است. تعادل بین زن و مرد یک ایده‌آل انقلاب اسلامی بوده است ولی ایده‌هایی که بتواند آن را محقق کند هنوز کامل نشده است. به نظر من زن‌ها باید ایده‌آل‌های انقلاب اسلامی را نگه دارند و برای آنها ایده بسازند. به نفع زنان ماست که در این بازی وارد گردیم. اینکه فکر می‌کنیم اگر ما وارد غرب بشویم خوشبخت هستیم اشتباه است.

هم که در ایران وجود دارد به مسأله زنان که می‌رسد بایکوت می‌شود. چرا؟ ما برای مهارت چانه‌زنی توانمندسازی نکرده‌ایم و این موضوع ترس از کنترل خارج شدن را به همراه دارد. زنان باید در مهارت چانه‌زنی توانمند شوند و از سوی دیگر نهاد‌های بالادستی که قرار است صحبت‌ها را گوش بدهند، آموزش ببینند. این فقط مختص حوزه زنان نیست، برای همه حوزه‌هاست.

این مهارت‌هایی است که در بعضی کشورها از مهدکودک به بچه‌ها آموزش داده می‌شود. به فرهنگ‌های دیگر و آموزش‌هایی که به بچه‌ها داده می‌شود دقت کنیم. در بعضی کشورها سواد و مهارت‌های ارتباطی از کودکی برای یک زندگی شهری مسالمت‌آمیز تقویت می‌شود. برای نمونه، به بچه‌های کوچک آموزش داده می‌شود که بعد از اشتباه عذرخواهی کنند و اینکه تواضع در هنگام خطا، نشان از بلوغ و کرامت انسانی اوست. مثلاً شرکت کوکوملن یکی از معروف‌ترین برندهای رسانه مجازی امریکایی در یوتیوب و وابسته به ترنر استودیو است که در تولید اشعار کودکانی در دنیا فعالیت می‌کند. شعری دارد که در آن مادر را که اتفاقاً یک زن صاحب خانواده، با مأموریت‌های خانوادگی سنتی مثلاً طبخ غذا و نگهداری از سلامت کودکان است نشان می‌دهد. در این انیمیشن موزیکال، فرزندان از او تشکر می‌کنند و در آخر پدر وارد می‌شود و قدردانی می‌کند و می‌گوید که او بهترین مادر دنیا است. شأن مادری و جایگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی زن باید در سنین طفولیت در اذهان شکل بگیرد. ما اشتباه فکر می‌کنیم که وقتی یک فرد چهل ساله است باید تازه در مقوله حفظ حیا و حجاب مورد آموزش قرار بگیرد در صورتی که آموزش‌ها باید در کودکی داده شود. به علاوه، ارائه راهنماهای نامحسوس فرهنگی یک زیرکی سیستمی می‌طلبید. برخلاف تصور بسیاری از مردم، موضوعی مانند سوئد بسیار تحت کنترل هستند و رفتارهای تک شهروندان در یک بافت فرهنگی جدی مهندسی می‌شود. این فقط مخصوص حوزه زنان هم نیست. دوره کرونا برای نمونه خاطر هست که در امریکا مثلاً مجله Harvard Business Review مقالات کوتاه بسیاری منتشر کرد که آموزش دهد چگونه در شرایط رکود کارفرما و کارگر تعامل کنند، نژادها و قومیت‌های غیرسفید کمتر مورد تبعیض در هنگام تعدیل نیرو قرار بگیرند یا حتی در صورت نیاز به تعدیل نیرو، کارگران چگونه با پذیرش درآمد کمتر به هم‌دیگر کمک کنند تا در کار باقی بمانند.

دنیای امروز ما دنیای تصویر است. کتابی توسط کمبریج منتشر شده در خصوص نافرمانی مدنی (۲۰۲۱) که می‌گوید بیشترین نافرمانی‌های مدنی ابتدا در عالم تصاویر خلق می‌شود. شما می‌بینید در خیابان همه خیلی عادی در رفت و آمد هستند ولی در فضای مجازی این نافرمانی مدنی دارد اتفاق می‌افتد؛ شاید چراغ قرمز در خیابان را کسی ظاهراً رد نکند اما در فضای دیجیتال گیم‌ها بسیاری از خط قرمزهای خانوادگی و فرهنگی رد می‌شود! اکنون به یک باره می‌بینیم افرادی خیابان شیشه می‌شکنند و کارهای لجام‌گسیخته انجام می‌دهند. بعد برایمان سؤال می‌شود که چگونه می‌توانند چنین کاری بکنند؟ چون به صورت طبیعی افراد نسبت به خشونت و منازعه حالت تدافعی دارند. مسأله اینجا است که آن فرد چه بسا بارها این کار را در بازی‌ها انجام داده است. ما این بخش از زندگی را نمی‌بینیم اما در حافظه آن فرد یک تجربه زیسته محسوب می‌شود. ما باید بازی‌هایی را طراحی کنیم که با ارزش‌های ما بخواند و جذاب هم باشد. اتفاقاً مردم هم استقبال می‌کنند. ما یک انیمیشن خوب می‌سازیم مردم واقعاً استقبال می‌کنند. در سال‌های اخیر فیلم «منطقه پرواز ممنوع» برای نوجوانان مورد استقبال قرار گرفت چون خود خانواده‌ها هم دوست دارند فرزندشان با فرهنگ ایرانی رشد کنند. این در صورتی اتفاق می‌افتد که ذائقه و مصرف فرهنگی این نسل را بشناسید؛ در واقع دیا لوگ وجود داشته باشد تا بفهمیم چه در سر این نسل می‌گذرد.

در همین اغتشاش‌های اخیر، نمی‌شد منکر شد برخی از افراد جانی که به جان مردم رحم نمی‌کردند، به اموال عمومی رحم نمی‌کردند، آموزش دیده و باند بودند اما قاطبه مردم و شهروندان ما اصیل و محترم هستند؛ آنها نباید رها باشند. تقویت سازماندهی مدنی مانند سمن‌ها حسنش همین کنترل خشم و



با توجه به رویکرد جدی معاونت در رسانه‌های ریز برنامه‌های ریز و درشت خود، نمی‌توان وزن پایین گزارش فعالیت‌های جدی را ناشی از ضعف رسانه‌ای معاونت دانست بلکه می‌توان گفت این وضعیت ناشی از ضعف عملکرد معاونت در این حوزه‌هاست



هم‌آوایی زنان با فحش‌های جنسی، آنها را با زبان تخفیف‌دهنده هرزه‌گو همدست کرده و در همراهی بی‌سابقه موقعیت‌شان را به فرودستی که نه تنها جایگاه خود را در فرودستی که نه تنها جایگاه خود را در

فحاشی جنسی در لایه‌های درونی و بیرونی خود با اتخاذ نگاه سلسله‌مراتبی به زن، همواره او را در موقعیت فرودست قرار داده و با تحقیر و تحقیر، او را بی‌اعتبار و کم‌ارزش کرده و می‌کند. هم‌آوایی زنان با فحش‌هایی از این دست، آنها را با زبان تخفیف‌دهنده هرزه‌گو همدست کرده و در همراهی بی‌سابقه موقعیت‌شان را به